

به‌رغم رشد چشمگیر پژوهش‌ها در عرصه‌های گوناگون، کم‌توجهی به اخلاق پژوهش در مقاطع تحصیلی و درجات علمی بالا مشاهده می‌شود. بر این اساس پژوهش حاضر به توصیف تجربیات اساتید و دانشجویان از توجه به اخلاق پژوهش می‌پردازد تا تصویر روشنی از سوء رفتارها و عوامل زمینه‌ساز تخلفات در حوزه پژوهش‌های آموزش عالی ارائه نماید. پژوهش حاضر به‌شیوه کیفی و پدیدارشناسی با نمونه‌گیری هدفمند و به‌وسیله مصاحبه ژرف‌نگر با ۱۹ نفر از اساتید و دانشجویان دکتری انجام گرفت. مصاحبه‌ها ضبط شدند و به‌روش استرابت و کارپنتر (۲۰۰۳) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جهت افزایش دقت و استحکام، بررسی دقیق و مشاهده مداوم در تمام مراحل پژوهشی، نظرات تکمیلی همکاران و مرور و بازنگری دست‌نوشته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان مدنظر قرار گرفت. یافته‌های حاصل از تجربیات اساتید و دانشجویان در خصوص اخلاق پژوهش در شش مضمون اصلی «سوء رفتارها در پژوهش»، «فشارهای محیطی»، «ویژگی‌های فردی»، «فقدان مدیریت و راهنمایی»، «نظام آموزشی» و «عواقب و پیامدها» و چندین مضمون فرعی خلاصه گردید. یافته‌های حاصل از مطالعه می‌تواند تصویری روشن از تجربه اساتید و دانشجویان از اخلاق پژوهش ارائه نماید.

■ واژگان کلیدی:

اخلاق پژوهش، تجارب اساتید و دانشجویان، پدیدارشناسی، آموزش عالی

مطالعه تجربیات اساتید و دانشجویان

دانشگاه تبریز

از توجه به اخلاق پژوهش

مطالعه‌ای پدیدارشناسانه

یوسف ادیب

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز
yousef-adib@yahoo.com

اسکندر فتحی آذر

استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز
e-fathiazar@tabrizu.ac.ir

سمیه مولا قلقاچی

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تبریز
molasomayeh@yahoo.com

مقدمه

علم و اخلاق همیشه نزد بشر منزلت ویژه‌ای داشته است. غالباً چنین انگاشته می‌شود که نقش آفرینان حوزه علم، یعنی دانشمندان، همواره در محدوده کار خود فقط به آنچه هست نظر دارند و نسبت به آنچه باید باشد دغدغه‌ای ندارند. اما امروزه به‌خوبی روشن شده که مسائل اخلاقی با پژوهش علمی گره خورده است. کسانی که برای آراستن علم، سخن را به پیرایش آن از ارزش‌ها می‌کشانند، درباره ماهیت پژوهش علمی به‌خطا رفته‌اند. امروزه، در جهان اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسئله اخلاق در پژوهش داده می‌شود و از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهشگران به‌عنوان کاشفان و فاتحان قله‌های رفیع علم که دارای ارزش والایی هستند، الگویی برای دیگر افرادند و به همین دلیل باید بیش از دیگران به فضائل اخلاقی آراسته باشند. از سوی دیگر، چون در محیط اطراف خود دخل و تصرف می‌کنند آشنایی آنها با اصول اخلاق در پژوهش بسیار ضروری است. اخلاق در پژوهش یکی از جدیدترین شاخه‌های «اخلاق کاربردی» است که در دهه‌های اخیر مورد توجه فیلسوفان و نظریه‌پردازان اخلاق قرار گرفته است. (صدوقی، ۱۳۹۰: ۹۸) همچنین، اخلاق پژوهش، شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای است که به بررسی مسائل اخلاقی در حرفه پژوهش می‌پردازد. پژوهش، فرآیند مؤثر بر سرنوشت بشر است. به همین دلیل، پژوهشگران و مؤسسه‌های پژوهشی فارغ از دغدغه‌های اخلاقی نیستند. فرایند پژوهش از حیث ماهیت مسئله تحقیق، مکان پژوهش، روش‌ها و ابزارها و شرکت‌کنندگان در آن خاستگاه، در معرض مسائل فراوان اخلاقی قرار می‌گیرد. پایبندی به مسئولیت‌های اخلاقی در سطح پژوهشگران محتاج اصول اخلاقی پژوهش است. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۴) حوزه اخلاق در پژوهش، قلمرو وسیعی را در برمی‌گیرد و بنابراین لازم است از تصمیم‌گیری برای انجام پژوهش تا گردآوری اطلاعات و انتشار نتایج و ارائه پژوهش به جامعه علمی، مدنظر قرار گیرد. برخی اخلاق در پژوهش را یک اصل عقلانی و قانونی می‌دانند که به‌موجب آن مؤلفان و پژوهشگران نسبت به رعایت حقوق مؤلف و خالق اثر متعهد و ملزم می‌شوند. (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۳۲) به‌طور کلی، اخلاق در پژوهش با ارزیابی میزان سود و زیان حاصل از انجام یک پژوهش مشخص می‌شود که با بهره‌گیری از اصول آن، زیان‌های احتمالی ناشی از پژوهش می‌تواند کاهش یابد یا از بین برود. (بیرر و کاس^۱، ۲۰۰۲: ۲۴۷)

همواره در کنار مسئله پژوهش و چگونگی دستیابی به پاسخی برای آن، مسئله جدی دیگری وجود دارد که به سلامت و پاکی تحقیق و دستاوردهای آن مربوط می‌شود. همزمان با افزایش تولیدات علمی، وجه اخلاقی پژوهش، به یکی از دغدغه‌های جدی صاحب‌نظران و محققان بدل شده است. چرا که امروزه علم، تکنولوژی و اخلاق بیش از پیش در هم تنیده شده است و تکنولوژی هر روزه تأثیر بیشتری بر جامعه و زندگی انسان دارد. (گالو^۱، ۲۰۰۴: ۴۶۹)

آموزش و پژوهش به‌عنوان مهم‌ترین رسالت‌های دانشگاه در جهان معاصر، در تربیت موثر دانشجویان و تولید دانش تبلور می‌یابند. امروزه اهمیت پژوهش بدان جهت است که آن را موتور محرکه ملت‌ها می‌دانند. به‌گونه‌ای که بر سرردر یکی از دانشگاه‌های آمریکا نوشته‌اند: «توقف در آموزش توقف در زندگی است و توقف در پژوهش توقف در آموزش و زندگی است» همچنان‌که سقراط نیز بیان کرده است: «زندگی بدون تحقیق و جستار ارزش زیستن ندارد». (خنیر و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۶) پژوهش به‌عنوان فعالیت آگاهانه و موثر به سرنوشت بشر می‌تواند جهت‌گیری‌های اخلاقی، غیراخلاقی و ضد اخلاقی داشته باشد. دغدغه مسئولیت‌پذیری در فرایند تحقیق، پژوهشگر را نیازمند علم اخلاق می‌سازد. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳: ۹) تحقیق و پژوهش همان‌گونه که می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای علمی قرار گیرد و انسان را به کمال برساند، چنانچه در مسیر نادرست قرار بگیرد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را از خود به‌جای خواهد گذاشت. بنابراین ضرورت رعایت اخلاق پژوهش نمایان می‌شود تا پژوهشگر با کاربرد اوصاف و ویژگی‌های روانی مثبت به تقویت و نیروبخشی خود بپردازد و با فاصله گرفتن از هجوم صفات و ردائل منفی اخلاقی، خود را از آسیب‌ها و آفت‌های فعالیت‌های علمی و پژوهشی برهاند، تا به یک پژوهشگر ایده‌آل تبدیل شود. (تابعی و محمودیان، ۱۳۸۵: ۵۰) محقق همواره در پی کشف ناشناخته‌ها و رفع ابهامات ذهنی بشر است که حرکت در این مسیر از سویی مستلزم اندیشه‌ورزی، جسارت و پشتکار و از دیگر سو، نیازمند پایبندی پژوهشگر به اصول و ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی است؛ چرا که فقدان باور و اعتقاد پژوهشگر به اصول اخلاقی و انسانی موجب استفاده وی از هرگونه ابزار اخلاقی و غیراخلاقی در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر خویش و همچنین استفاده‌های بایسته و نبایسته از نتایج و دستاوردهای تحقیقات علمی‌اش خواهد شد. (نعمتی و محسنی، ۱۳۸۹: ۲۰)

هر چند موضوع اخلاق در پژوهش یکی از مباحث و موضوعات مهمی است که توسط مجامع بین‌المللی، سازمان‌های منطقه‌ای، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها، محققان و متخصصان رشته‌های مختلف علوم و فنون مورد توجه ویژه قرار گرفته (اردشیر لاریجانی و زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۸۲) و رعایت اصول اخلاقی در پژوهش‌های مختلف و آموزش آن از سوی سازمان‌های گوناگون و بالاخص آموزش عالی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد (وینستون^۱، ۲۰۰۷) اما اخیراً توجه به اخلاقیات پژوهشی در بسیاری از مراکز و سازمان‌ها مورد غفلت قرار واقع شده است. (کارلین^۲، ۲۰۰۳: ۴) نادیده گرفتن مسائل اخلاقی در پژوهش گاهی بدون تعمد و صرفاً به‌سبب بی‌اطلاعی از اخلاق حرفه‌ای پژوهشگری صورت می‌پذیرد. در حوزه پژوهش، مطلوب است که روشن شود اخلاق پژوهشگری چه حد و مرز و چه مسائلی دارد. (لشکر بلوکی، ۱۳۸۷: ۱۰۶) تحقیق در زمینه اخلاق پژوهش موضوعی قابل بحث در حوزه‌های مختلف علمی بوده و با فرایند جهانی شدن و بین‌المللی شدن علم و آموزش عالی توجه به ضروریات اخلاقی پژوهش امری ضروری به‌نظر می‌رسد. (بناتار^۳، ۲۰۰۲: ۱۱۳۲)

مارتینسون و دیگران (۲۰۰۵) با بررسی ۳۲۴۷ مقاله پذیرفته‌شده توسط کمیته پژوهشی بیان می‌کنند که هر یک از مقالات حداقل در یک مورد دچار مسائل غیراخلاقی و غیرعلمی شده‌اند. (به‌نقل از مطلبی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۷) بررسی وضعیت سرقت علمی در بین دانشجویان نشان می‌دهد که میزان آن در اقصی نقاط جهان، در تمام مقاطع تحصیلی و در تمام دانشگاه‌ها (چه دولتی و چه خصوصی)، در حال افزایش است. به‌طوری که در تحقیقات مختلف میزان آن از ۵۴ درصد تا ۹۱ درصد گزارش شده است. پژوهش‌ها و گزارش‌های مختلف در ایران هم حکایت از رواج و گسترش آن دارد به‌طوری که نشریه نیچر در گزارش سال ۲۰۰۷ خویش درباره سرقت علمی به آن اذعان داشته و اعلام کرده است که بسیاری از مقالات رونویسی شده در دنیا که توسط پایگاه اطلاعاتی شناسایی آثار کپی‌برداری شده منتشر شده است، به وبلاگ‌ها و گروه‌های فارسی زبان در کشور ایران تعلق داشته است، از این‌رو ذاکر صالحی (۱۳۸۹) معتقد است که وضعیت تقلب علمی در کشور، به‌طور عام و سرقت علمی به‌طور خاص، بسیار تکان‌دهنده است به‌طوری که از مرحله آسیب خارج شده و به مرحله بحران رسیده است. (فعلی و دیگران،

1. Winston
2. Carlin
3. Benatar

۱۳۹۱: ۱۳۶) در آسیب‌شناسی پژوهش به مواردی از جمله جعل نتایج، سرقت ادبی، نقض استانداردهای اخلاقی، در رابطه با انسان و... برمی‌خوریم که لزوم پرداختن به اخلاق پژوهش را دوچندان می‌کند. (بحرینی، ۱۳۸۹: ۴۰) مراکز دانشگاهی بیشترین تعداد محققان و پژوهشگران را در خود جای داده و لذا انتظار ارائه تولیدات علمی متناسب با شأن مراکز علمی و دانشگاهی و برخورداری اساتید و پژوهشگران از توان و عملکرد پژوهشی قابل دفاع، بسیار بدیهی به نظر می‌رسد (عزیزی، ۱۳۹۲: ۹) بنابراین پژوهش حاضر با هدف مطالعه پدیدارشناسانه تجارب اساتید و دانشجویان دکتری دانشگاه تبریز در خصوص مسائل و مشکلات اخلاقی در پژوهش و عوامل زمینه‌ساز بروز تخلفات پژوهشی در آموزش عالی صورت گرفته است. پدیدارشناسی یک فلسفه و نیز یک روش تحقیق است که کانون توجه آن تجربیات زندگی می‌باشد. این روش مطالعه به فهم بهتر و مطالعه جوهره پدیده‌ها اهمیت می‌دهد. همچنین می‌کوشد تا توضیحی مستقیم از پدیده و تجربیات انسان به همان گونه که هستند و در زمان، مکان و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، فراهم نماید؛ بدون اینکه تئوری درباره علت یا منشأ روانی یا علل علمی آنها داده شود. (شین و دیگران، ۲۰۰۳) با توجه به اینکه تجربیات اساتید و دانشجویان دکتری مهم‌ترین منبع اطلاعات برای بررسی پدیده مورد نظر بوده و کمتر پژوهشی به بررسی و مطالعه پدیدارشناسانه تجارب پژوهشگران در خصوص اخلاق پژوهش پرداخته است از این‌رو در پژوهش حاضر جهت شناخت عمیق از روش کیفی و پدیدارشناسی استفاده شده است. مطالعات پدیدارشناسی به این سؤالات پاسخ می‌دهند که: پدیده تجربه شده چیست؟ ساختار و اشتراکات پدیده در اشکال مختلف آن چیست؟ روش پدیدارشناسانه می‌کوشد تا تجربیات انسان را در متن و زمینه‌ای که در آن روی می‌دهد توصیف نماید. لذا پژوهش حاضر به دنبال شناخت عمیق و توصیف تجربیات پژوهشگران آموزش عالی در رابطه با مسائل و مشکلات اخلاقی در پژوهش می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در زیر به برخی از پژوهش‌های انجام‌یافته در حوزه اخلاق پژوهش اشاره می‌گردد:
کونگ^۱ و همکاران (۲۰۱۰) طی پژوهشی به مطالعه ادراک اعضای هیئت علمی و دانشجویان هنگ گنگ از صداقت علمی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اعضای

هیئت علمی و دانشجویان در تعریف سرقت علمی و تبانی اتفاق نظر نداشتند. دانشجویان داده‌سازی را به فشارهای ناشی از کار، نمره و آموزش مبهم اساتید نسبت می‌دادند و اعضای هیئت علمی هم موارد کمی از سوء رفتارها را گزارش می‌کردند و اظهار می‌کردند که به تخلفات بر طبق استانداردها رسیدگی می‌کنند.

فانلی^۱ (۲۰۰۹) فراتحلیل و مرور نظام‌مندی را در خصوص سوء رفتارهای پژوهشی انجام داد. وی ۱۸ مطالعه را مورد بررسی قرار داده بود و سوء رفتارها را به تحریف دانش علمی (جعل، گمراه‌سازی، دستبرد داده‌ها) محدود ساخته بود. نتایج حاصل از میانگین وزنی نشان داد که ۱/۹۷٪ دانشمندان تأیید کرده‌اند که حداقل یک‌بار مرتکب جعل، گمراه‌سازی یا تغییر داده‌ها یا نتایج پژوهشی شده‌اند و ۳۳/۷٪ دانشمندان فعالیت‌های پژوهشی مشکوک و سؤال‌برانگیز داشتند.

مطلبی‌فرد و همکاران (۱۳۹۱) طی پژوهشی به بررسی اخلاق پژوهش با تمرکز بر ویژگی‌های فردی و مسئولیت‌های حرفه‌ای پژوهشگران دانشگاه‌های دولتی شهر تهران پرداختند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که ویژگی‌های فردی شامل تعهد، صداقت، انگیزش، پشتکار و صبری، روحیه همکاری و کار گروهی در پژوهش است. مسئولیت حرفه‌ای پژوهشگران شامل مسئولیت در برابر جامعه، حامیان، همکاران، آزمودنی‌ها، موضوع پژوهش، محققان دیگر، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و انتشار یافته‌ها می‌باشد.

فعلی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان نگرش و رفتار دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در زمینه سرقت علمی نشان دادند که میزان نگرش و رفتار بیشتر دانشجویان در زمینه سرقت علمی در سطوح نسبتاً نامساعد و متوسط بود. امین خندقی و پاک‌مهر (۱۳۹۱) مطالعه‌ای به‌منظور بررسی دیدگاه دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی مشهد در زمینه میزان آگاهی از قواعد و هنجارهای اخلاق پژوهش به روش کمی انجام دادند. نتایج نشان داد که به‌جز در مؤلفه تحلیل داده‌ها، در میانگین نمره کلی اخلاق پژوهش و سایر مؤلفه‌های آن دانشجویان مورد مطالعه به حد مطلوبی دست یافته بودند.

نتایج مطالعه جمیلی و سدیدی‌پور (۱۳۹۳) در خصوص کدهای اخلاق پژوهش در تجربه‌های زیسته نخبگان علوم اجتماعی نشان داد که صفات سلبی کدهای اخلاق پژوهش به‌ترتیب، ضعف امانتداری (۰/۰۶۰)، ضعف صداقت (۰/۰۲۱) و میانمایگی مدیریت پژوهشی

(۰/۰۱۶) بوده است. میزان بیشتر دغدغه تجربه‌شده نخبگان در جامعه علمی که با آن سر و کار دارند به‌ضعف مناسبات و اخلاق فردی عاملان پژوهشی (۰/۰۸۴) و میزان کمتر آن به ساختار مدیریت پژوهشی (۰/۰۱۶) نسبت داده شده است.

در پژوهش دیگری که توسط بهمن‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) با هدف بررسی میزان رعایت اصول اخلاقی در رساله‌های دکتری علوم انسانی در دانشگاه فردوسی مشهد به روش تحلیل محتوا انجام شد، پژوهشگران خاطرنشان کرده‌اند که در حدود (۰/۰۷۵) از رساله‌های دکتری برخی از معیارها همچون موضوع گمنامی آزمودنی‌ها، رعایت رازداری، مشخص بودن روش گردآوری داده‌ها، گزارش اعتبار ابزار پژوهش، مشخص بودن روش تحلیل داده‌ها، همسو بودن روش تحلیل داده‌ها با روش اجرای پژوهش و داشتن تعهدنامه اخلاقی مورد توجه قرار گرفته و بقیه موازین اخلاق پژوهش همچون حقوق آزمودنی‌ها، استناددهی و ارجاع مورد غفلت واقع شده است.

با مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه اخلاق می‌توان دریافت که بی‌اخلاقی‌هایی در حوزه پژوهش‌های علمی صورت می‌پذیرد. بنابراین، مطالعه پدیدارشناسانه تجارب پژوهشگران دانشگاهی در خصوص مسائل و مشکلات اخلاق پژوهش در آموزش عالی ضروری می‌باشد.

روش

پژوهش حاضر به‌روش کیفی و پدیدارشناسی - توصیفی انجام پذیرفته است. هدف از تحقیق پدیدارشناسانه توصیف تجربیات زندگی به‌همان صورتی است که در زندگی واقع شده‌اند. استرابرت و کارپنتر^۱ (۲۰۰۳) فنومنولوژی یا پدیدارشناسی را عملی می‌دانند که هدف آن توصیف پدیده‌های خاص یا ظاهر چیزها و تجربیات زندگی است. کانون توجه پدیدارشناسی تجربیات زندگی است زیرا این تجربیات‌اند که معنای هر پدیده را برای هر فرد می‌سازند و به فرد می‌گویند که چه چیز در زندگی او و نزد وی حقیقی و واقعی است (ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۹) و چون روش پدیدارشناسی می‌کوشد تا تجربیات انسان را در متن و زمینه‌ای که در آن روی می‌دهد توصیف نماید و غنی‌ترین و توصیف‌کننده‌ترین اطلاعات را فراهم می‌سازد لذا استفاده از این روش برای مطالعه اخلاق پژوهش و بررسی تجربیات زنده پژوهشگران جهت روشن‌سازی و توصیف عمیق‌تر

پدیده موردنظر، مناسب می‌باشد. جامعه پژوهش شامل اساتید و دانشجویان دکتری گروه علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه تبریز می‌باشد. نمونه این تحقیق، ترکیبی از اساتید و دانشجویان دکتری است؛ تلفیق افراد (جمع‌آوری اطلاعات از گروه‌های مختلف) یکی از انواع تلفیق^۱ در تحقیق می‌باشد. تلفیق در تحقیق، ارزیابی یک پدیده واحد از ابعاد متفاوت، با دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف، روش‌های متفاوت، ابزارهای مختلف و تئوری‌های متنوع است، هر قدر این تلفیق درست و به‌جا و کنترل‌شده باشد، تنوع در آن می‌تواند به دقت و صحت بررسی انجام‌شده بینجامد. (ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۶) براساس روش نمونه‌گیری هدفمند از ۱۹ نفر شامل ۹ نفر عضو هیئت علمی و ۱۰ نفر دانشجوی دکتری مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته و عمیق به‌عمل آمد. هنگامی که مصاحبه‌شوندگان تجربه خود را در خصوص مسائل و مشکلات اخلاقی در پژوهش و عوامل زمینه‌ساز برخی سوء رفتارها توصیف می‌کردند و توضیح و روشن‌سازی دیگری لازم نبود مصاحبه‌ها پایان‌یافته تلقی می‌شدند. مصاحبه‌ها بین ۳۵ تا ۵۰ دقیقه به‌طول می‌انجامید. مصاحبه‌ها بر روی نوار ضبط و سپس عین کلمات افراد استخراج می‌گردید و مجدداً برای حصول اطمینان از دقت کار، نسخه‌ها با نوار مصاحبه مقایسه می‌گردیدند. بنابراین در مطالعه حاضر داده‌ها پس از انجام مصاحبه با ۱۹ نفر به‌اشباع رسیدند یعنی اطلاعات جدیدی حاصل نشد و عمل‌گزینش دیگر ادامه نیافت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌روش استرابت و کارپنتر (۲۰۰۳) انجام شد. روش مزبور شامل توصیف پدیده موردنظر توسط محقق، کنارگذاری پیش‌فرض‌های محقق، مصاحبه با شرکت‌کنندگان، قرائت توصیف‌های شرکت‌کنندگان، استخراج جوهره‌ها، پیدا کردن روابط اساسی، نوشتن توصیفی از پدیده، برگرداندن توصیف به شرکت‌کنندگان و کسب تأیید آنان، مرور بر متون مربوطه و انتشار یافته‌ها می‌باشد. (ادیب حاج باقری و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۲) برای افزایش دقت و استحکام و این‌همانی یافته‌ها ابتدا مصاحبه‌ها جهت جلوگیری از تسورس مربوط به یادآوری بر روی نوار ضبط گردیدند و سپس باورپذیری^۲ نتایج به این صورت تأیید گردید که نتایج نهایی از طریق بازنگری مشارکت‌کنندگان در میان‌گذارده شد تا تعیین نمایند که آیا توصیفات منعکس‌کننده تجربیات آنها هست یا خیر. در انجام این تحقیق از مشاوره یک فرد متخصص در تحقیقات کیفی استفاده گردید. وی بخشی از مصاحبه‌های پیاده‌شده

1. Triangulation
2. Credibility

را مطالعه و در تحلیل داده‌ها کمک نمود. همچنین همسانی و قابلیت تأیید یافته‌ها از طریق مشاهده مداوم، کنار هم قرار دادن یادداشت‌ها و یافته‌های خام، یادداشت‌های عرصه و معانی استخراج و فرموله شده حاصل شد.

یافته‌ها

مضمون اصلی ۱: سوء رفتارها در پژوهش

مصاحبه‌شوندگان مسائلی از قبیل باندبازی و بده و بستان علمی، سرقت علمی و ادبی، داده‌سازی و گمراه‌سازی، عدم روحیه همکاری، عدم رعایت انصاف و شتاب‌زدگی را جزء سوء رفتارها در پژوهش عنوان کردند. مضامین فرعی و نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

مضمون فرعی ۱: باندبازی و بده و بستان علمی

برخی از مصاحبه‌شوندگان مسائلی همچون نوشتن اسامی یکدیگر در نگارش مقالات و برخی باند بازی‌های صورت گرفته در چاپ مقالات را جزء کارهای غیراخلاقی برمی‌شمردند. برای نمونه یکی از اساتید شرکت کننده عنوان می‌داشت که «در نوشتن اسامی در مقالات اسم برخی افراد بدون اینکه تلاشی بکنند و سهمی داشته باشند نوشته می‌شود که یک کار غیراخلاقی می‌باشد» و دانشجویی می‌گفت «اگر پارتی داشته باشی و اسم استاد راهنما در فلان مجله باشد یک مقاله بی کیفیت هم چاپ می‌شود و فقط اشکال نگارشی می‌گیرند و دانشجوی دیگری با کلی هزینه و تلاش مقاله‌اش رد می‌شود»

مضمون فرعی ۲: سرقت علمی و ادبی

اساتید و دانشجویان شرکت کننده مواردی چون عدم رعایت استناددهی صحیح در محتویات علمی و ادبی پژوهش‌ها، استفاده از ایده‌ها و جملات دیگران بدون ذکر منبع و کپی پیست‌های صورت گرفته از سوی پژوهشگران دانشگاهی به‌ویژه دانشجویان را جزء تخلفات رایج در پژوهش‌های آکادمیک عنوان می‌کردند. یکی از دانشجویان دکتری در این باره می‌گفت «معمولاً در رفرنس‌دهی مسائل اخلاقی وجود دارد و کپی پیست‌ها در حوزه پژوهش زیاد شده است و امروزه مشکلی که در جامعه در میان قشر تحصیل کرده وجود دارد این است که برخی پایان‌نامه‌ها و مقالات پولی شده و با پول مقاله و پایان‌نامه خریداری می‌کنند» و یکی از اساتید هم بیان داشت که «گاهی اوقات مواردی در این زمینه مشاهده می‌گردد مثلاً پرسشنامه را از جایی برداشته بدون اینکه استناد نماید

یا مطلبی را از منبعی برمی‌دارد بدون اینکه استناد کند یا مقاله یک فردی را ترجمه می‌کند و به اسم خودش چاپ می‌کند و از استنادهای بی‌مورد شروع می‌کند تا کارهای پژوهشی بی‌مورد»

مضمون فرعی ۳: داده‌سازی و گمراه‌سازی

داده‌سازی و گمراه‌سازی نمونه‌هایی از تقلب علمی هستند که به جعل و دستکاری عمدی تمام یا بخشی از یافته‌های پژوهشی اشاره دارند که برخی از محققین در انجام پژوهش‌های علمی مرتکب می‌شوند. در پژوهش حاضر مصاحبه‌شوندگان تقلب‌های مذکور را این‌گونه توصیف می‌کردند:

دانشجو: «دوستم براساس مقالات خارجی و از قبل انجام‌شده اعداد و ارقام را جابه‌جا می‌کرد و به ما هم می‌گفت که سروصدا نکنید من نیاز به تمرکز دارم و داده‌سازی من مشکل‌تر از کار آزمایشگاهی شما هست»

دانشجو: «نحوه داده‌سازی‌ها فرق می‌کند مثلاً مقاله‌ها را می‌خواند و سطح معناداری آنها را بررسی می‌کند و داده‌های خام خودش را دستکاری می‌کند و بعد آنالیز برایش معنی‌دار می‌شود»

دانشجو: «بیشتر داده‌ها را از طریق نرم‌افزار داده‌سازی می‌کنند و اصلاً به آزمایشگاه نمی‌روند و اجرا نمی‌کنند»

استاد: «محقق باید سعی نماید که واقعیت‌ها را وارونه نکند ولی متأسفانه در جامعه ما در عالم تحقیق گاهی اوقات اتفاقات بدی می‌افتد مثلاً اگر فرضیه‌ای معنی‌دار نباشد سعی می‌شود که به روش‌هایی تحقیق را تحریف کنند تا با یافته‌های دیگران همسو باشد که این به‌نظر من جزء بحث‌های غیراخلاقی قضیه می‌باشد»

مضمون فرعی ۴: عدم روحیه همکاری

مشارکت‌کنندگان در اظهارت خودشان عدم مشارکت و همکاری در بین پژوهشگران را از جمله مسائل و دغدغه‌ها در حوزه پژوهش ذکر می‌کردند. برای مثال یکی از اساتید اظهار می‌کرد که «به‌نظر من اولین مسئله در پژوهش عدم روحیه همکاری می‌باشد که عموماً پژوهشگران از لحاظ همکاری با هم راحت نیستند» و استادی بیان می‌داشت «متأسفانه در دانشگاه فردیت خیلی حاکم هست درحالی‌که دین ما مشارکتی است، اگر ما براساس الگوهای دینی پیش رویم در کوتاه مدت رشد خواهیم کرد ولی متأسفانه براساس الگوها نیست و اگر متعهد به اینها باشیم فرهنگ پژوهشی ما هم درست می‌شود»

مضمون فرعی ۵: عدم رعایت انصاف

رعایت نکردن انصاف در تلاش و هزینه‌ها یکی دیگر از مضامینی بود که برخی از مشارکت‌کنندگان آن را غیراخلاقی دانسته و اظهار می‌داشتند که:

استاد: «گاهی اوقات نام دیگران را در مقاله می‌نویسند بدون اینکه سهمی داشته باشند و گاهی اساتید هم از دانشجو سوء استفاده می‌کنند و دانشجو را وادار می‌کنند که یک مقاله علمی پژوهشی بنویسد بدون اینکه هزینه‌اش پرداخت شود و متأسفانه همه ما گرفتار هستیم»

دانشجو: «می‌بینی که همه کارها را دانشجو انجام می‌دهد و استاد هم یک دور مقاله را نشسته خوانده و می‌گوید که نه من برای مقاله شما دو روز وقت گذاشتم اسم من باید اول بیاید و مقاله را برمی‌دارد و اسامی را جابه‌جا می‌کند و استاد هم باید درک کند که دانشجویی که کار کرده دوست داره که حداقل در اولین مقاله‌اش اسم خودش اول باشد حالا برخی استادها می‌گویند که فرقی ندارد که اول باشه یا دوم خب اگه فرقی ندارد بگذارید اسم دانشجو اول باشد یا مثلاً در کنفرانس‌ها همه هزینه را دانشجو خودش می‌دهد و استاد نمی‌گوید که بگذار یک‌بار هم هزینه را من بدهم درحالی‌که اسم استاد هم هست»

مضمون فرعی ۶: شتاب‌زدگی

صبر و بردباری لازمه پژوهش است، اما عدم رعایت آن و شتاب‌زدگی در پژوهش یکی از آفت‌های دامن‌گیر پژوهش در دانشگاه است. یکی از اساتید در این خصوص می‌گوید: «عجله‌زدگی در تحقیق هم یکی از مسائل پژوهش دانشگاهی هست و نظام آموزشی ما به حرکت خلاف در پژوهش دامن می‌زند و دانشجو نمی‌تواند یک تحقیقی را در عرض یک ترم با توجه به پروسه‌های طولانی مدت انجام دهد بنابراین داده‌ها را به شیوه غلط و با عجله جمع‌آوری می‌کند تا دفاع نماید»

استاد: «یکی از اصولی که در تحقیقات ما رعایت نمی‌شود حلم و بردباری است و ما فاقد حلم و بردباری هستیم و علتش هم ساختاری است و محیط تعیین‌کننده اکثر رفتارهای آدمی است»

مضمون اصلی ۲: فشارهای محیطی

مصاحبه‌شوندگان یکی از عوامل زمینه‌ساز تخلفات پژوهشی را فشارهای محیطی ذکر

می‌کردند که معیارهای پذیرش و ارتقاء، هزینه و بودجه، تعیین محدودیت زمانی و عدم همکاری را در برمی‌گیرد. اعمال فشار برای نگارش مقاله به‌منظور ارتقای شغلی و دریافت منافع مالی و مزایای مختلف و همچنین اعمال فشار برای انجام پژوهش در زمان محدود و دریافت نمره منجر به بداخلاقی‌هایی در حوزه پژوهش می‌شوند. برخی از مصاحبه‌شوندگان کمبود بودجه و تأمین نبودن پژوهشگران و آزمایشگاه‌ها از لحاظ مالی و امکانات، هزینه‌بر بودن برخی از پژوهش‌ها و عدم همکاری برخی نهادها و سازمان‌ها را در بروز تخلفات پژوهشی دخیل و مؤثر می‌دانستند.

مضمون فرعی ۱: معیارهای پذیرش و ارتقاء

معیارهای نامناسب پذیرش دانشجو، ارتقاء و تأکید بیش از حد بر تعداد مقالات در ارتقاء اعضای هیئت علمی و پذیرش دانشجویان در مقاطع بالاتر تحصیلی یکی از مضامین پدیدار شده از تجربیات اکثر مصاحبه‌شوندگان می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان مضمون مزبور را یکی از عامل‌های مهم در بروز تخلفات در حوزه پژوهش ذکر کردند.

برای نمونه یکی از اساتید در این باره می‌گفت «مقالاتی که در کشور ما چاپ می‌شوند اگر یافته مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر پیدا نکنند و با فرضیه همسویی نداشته باشند معمولاً چاپ نمی‌شوند یعنی انگار به‌زور پژوهشگران را به‌طور غیرمستقیم سوق می‌دهند که بیایند دستکاری بکنند تا اینکه یک رابطه معنی‌دار و قابل چاپ در مجلات داخلی به‌دست آید»

و استادی دیگر تجربه خود را چنین توصیف می‌کند: «یکی از عوامل زمینه‌ساز سوء رفتارهای پژوهشی وجود فضاهای کاذب و فضاهای علمی ارتقا می‌باشد که در واقع افراد به هر طریقی می‌خواهند ارتقا یابند و متخصصان پرورش‌یافته به آن حدی نمی‌رسند که محقق شوند»

مضمون فرعی ۲: هزینه و بودجه

برخی از مشارکت‌کنندگان کمبود بودجه و تأمین نبودن پژوهشگران و آزمایشگاه‌ها از لحاظ مالی و امکانات، هزینه‌بر بودن برخی از پژوهش‌ها را در بروز تخلفات پژوهشی دخیل می‌دانستند. به نمونه‌ای از اظهارات شرکت‌کنندگان در این باره اشاره می‌گردد:

استاد: «به‌خاطر شرایطی که در جامعه ما هست هزینه‌ها و بودجه خیلی کم هست که این باعث می‌شود پژوهشگران به‌سمت داده‌سازی سوق پیدا کنند، ولی کشورهای پیشرفته صرفاً برای کارهای آزمایشگاهی و پژوهشی هزینه می‌کنند. بودجه‌های

کلان می‌گذارند تا هم بتوانند مواد آزمایشگاه‌ها و هم دستگاه‌ها را تأمین بکنند که هیچ مشکلی نداشته باشند، هم نیروی کار را از لحاظ مالی تأمین می‌کنند. وقتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اساتید و آزمایشگاه‌ها از لحاظ مالی تأمین هستند یعنی اساتید جاده خاکی نمی‌روند که بخواهند بیرون کار کنند. الان رایج شده که خیلی از اساتید سمت کارهای فرعی می‌روند مثل شرکت زدن، ساختمان‌سازی و کارهایی که اصلاً ربطی به حرفه آنها ندارد که این یک مسئله هست و بنابراین هر جا پول هست کار تحقیقاتی درست هم هست»

دانشجو: «در آزمایشگاه استاد می‌گویند که مواد کم است و هزینه‌اش زیاد است و دانشجو هم چون می‌بیند که مواد کم است یک طیف را اندازه می‌گیرد و طبق یک تکرار داده‌سازی می‌کند خب دلش می‌خواد وقتی استاد می‌گوید که مواد کم هست و چیزی نداریم چه کار کند»

مضمون فرعی ۳: تعیین محدودیت زمانی

ایجاد محدودیت‌های زمانی در دانشگاه یکی از مضامین پدیدار شده‌ای است که اساتید و دانشجویان در تجربیات خود بدان اشاره می‌کردند. نظر یکی از اساتید این‌گونه بود «یکی از بحث‌ها به خلأهای قانونی برمی‌گردد وقتی به دانشجو فشار می‌آوریم که در فلان ترم باید کارت را تمام بکنی و باید چندتا مقاله داشته باشی خب دانشجو چه کار باید بکند وقتی نمی‌رسد فکرهای خلاف به ذهنش می‌رسد» و دانشجویی می‌گفت «امروزه به دانشجو فشار می‌آورند که باید در زمان تعیین شده دفاع بکند که به نظر من کار اشتباهی است و چنین محدودیت‌هایی باید در دست استاد راهنما باشد»

مضمون فرعی ۴: عدم همکاری

سرخوردگی و دلسردی حاصل از عدم همکاری برخی نهادها و آزمودنی‌ها در انجام کارهای پژوهشی هم در بروز تخلفات نقش دارد. برای نمونه دانشجویی در این‌باره بیان می‌کرد که «عدم همکاری برخی نهادها و ارگان‌ها بر تخلفات پژوهشی دخیل است، عدم همکاری برخی ارگان‌ها و سازمان‌ها با پژوهشگر باعث می‌شود که پژوهشگر داده‌سازی نماید، چون عنوان پژوهش یا طرحش تصویب شده و غیر از داده‌سازی چاره‌ای ندارد»

مضمون اصلی ۳: ویژگی‌های فردی

ویژگی‌های فردی از قبیل سستی و راحت‌طلبی، نداشتن انگیزه و روحیه علمی،

سطحی‌نگری، نداشتن وجدان کاری و حس مسئولیت‌پذیری جزء مضامین پدیدار شده در تجربیات مصاحبه‌شوندگان و زمینه‌ساز بروز برخی سوء رفتارها و تخلفات بوده است.

مضمون فرعی ۱: سستی و راحت‌طلبی

برخی از مصاحبه‌شوندگان سستی و راحت‌طلبی پژوهشگر را یکی از عوامل زمینه‌ساز تخلفات پژوهشی می‌دانستند، در حالی که جدیت و تلاش لازمه هر کار پژوهشی است. مثلاً نقل‌قول‌های زیر می‌تواند حاکی از این تجربه باشد:

دانشجو: «تنبلی خود دانشجو هم دخیل هستش، نمی‌تواند کار انجام دهد چندتا مقاله را می‌خواند و با هم ترکیب می‌کند و آن هم در پشت میز نه در آزمایشگاه و کیپیست کرده و مقاله را می‌نویسد»

دانشجو: «دانشجو حال و حوصله کار کردن در آزمایشگاه را ندارد و داده‌سازی می‌کند»

مضمون فرعی ۲: نداشتن انگیزه و روحیه علمی

بی‌انگیزگی و عدم روحیه علمی در بین پژوهشگران دانشگاهی از جمله مضامینی بود که مشارکت‌کنندگان ضمن اظهارات خود بدان اشاره می‌کردند و مواردی چون مدرک‌گرایی، بیکاری و ناامیدی از آینده حرفه‌ای را در نداشتن روحیه علمی تأثیرگذار می‌دانستند. نمونه‌هایی از تجربیات مشارکت‌کنندگان بدین شرح است:

دانشجو: «علم یک جور شی‌غلی شده و علاقه به علم از بین رفته و وقتی به‌عنوان شی‌غل به آن نگریده می‌شود خب مقدس نیست و تحصیلات تکمیلی جایی است که افراد باید با عشق و علاقه بیایند و افراد در کشور ما بیشتر از سر بیکاری می‌آیند» دانشجو: «من فکر می‌کنم که مهم‌ترین عامل بروز تخلفات انگیزه است، امروزه مثل قبل نیست قبلاً کسی که واقعاً عاشق و علاقمند به رشته‌اش بود در مقاطع بالاتر سعی می‌کرد کاری که انجام می‌دهد مفید باشد و نتیجه‌اش برای فرد خیلی مهم بود و برای همین ارزش قائل می‌شد و وقت می‌گذاشت ولی متأسفانه الان بعضی‌ها مدرک‌گرا هستند و فقط می‌خواهند که کاری انجام شود و تحقیقی انجام دهند و مقاله‌اش کنند و بروند و اصلاً به این اهمیت نمی‌دهند که این مقاله من و داده‌هایش حقیقی است یا نه»

دانشجو: «ناامیدی و سرخوردگی در بین اکثر دانشجویها چه ارشد و چه دکتری دیده می‌شود و این به دلیل بازار کار است که به دلیل نبود کار افراد انگیزه کافی در انجام تحقیق ندارند و سعی می‌کنند یک چیزی را سرهم‌بندی بکنند و بروند»

مضمون فرعی ۳: سطحی‌نگری

برخی از اساتید سطحی‌نگری و صوری عمل کردن پژوهشگران را در بروز تخلفات اثرگذار می‌دانستند، به طوری که یکی از اساتید در این باره اظهار می‌داشت «در برخی مواقع ما صوری عمل می‌کنیم. متأسفانه در زندگی اجتماعی و فردی هم به صوری بودن خیلی علاقه داریم، طوری عمل می‌کنیم که دیگران از ما خوش‌شان بیاید التزام صوری ما خیلی زیاد است اما التزام عملی ما با مشکلاتی روبروست و این در اخلاق پژوهشی ما اثر گذاشته است» استاد دیگری این‌گونه ابراز می‌داشت «اگر آموزه‌های مذهبی و اعتقادی درست جا بیفتند مهار درونی ایجاد می‌کنند که متأسفانه ما در اینجا هم درست عمل نکرده‌ایم، با اینکه ما دروسی در مورد مسائل مذهبی در مدرسه و دانشگاه می‌خوانیم ولی روح حاکم بر جامعه این نیست که آموزه‌های مذهبی انجام پذیرند و عملی شوند و سیاست، اقتصاد و سوء مدیریت و... تأثیر می‌گذارند»

مضمون فرعی ۴: نداشتن وجدان کاری و حس مسئولیت‌پذیری

وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری در پژوهش بسیار حائز اهمیت می‌باشد که فقدان آن در بین پژوهشگران دانشگاهی مسائل و مشکلاتی را ایجاد می‌کند. استاد مشارکت‌کننده‌ای در این زمینه اظهار می‌داشت «اگر در پژوهش‌ها نیت درست باشد اخلاق هم خود به خود رعایت می‌شود مثلاً شما می‌بینید که در اسلام نیت خیلی مهم است. وقتی که نماز می‌خوانید نیت نکنید نمازتان باطل است و در نیت پژوهش هم اگر ایمان درونی و وجدان درونی و اخلاق پسندیده خودتان را اعمال نکنید در واقع خود به خود اخلاق پژوهشی رعایت شده است و مشکل خاصی پیش نمی‌آید»

دانشجوی دیگری می‌گوید: «اگر وجدان نباشد هیچ کاری نمی‌شود کرد یک کمی می‌شود کنترل کرد اما نه زیاد» و دانشجویی هم به گونه دیگری به موضوع اشاره می‌کند «بی‌مسئولیتی استاد، دانشجو را هم عصبانی می‌کند مثلاً در یکی از آزمایشگاه‌ها دستگاهی خراب شده و دانشجوها معطل تعمیر دستگاه‌اند، به استادشان گفته‌اند و استاد گفته که به همکارم می‌گویم که یک روز بیاید درستش کند و حالا بین استادی که به وقت دانشجو ارزش قائل نیست دانشجو هم کلافه می‌شود و استاد راهنما باید مسئولیت‌پذیر و پیگیر باشد و این باعث پرانگیزه شدن دانشجو می‌شود و در غیر این صورت دانشجو می‌گوید که وقتی برای استاد مهم نیست پس چرا برای من مهم باشد و ارزش علم را خود استاد باید بیشتر از دانشجو بداند»

مضمون اصلی ۴: فقدان مدیریت و راهنمایی

فقدان مدیریت و راهنمایی شامل زیرمضمون‌های عدم نظارت و پیگیری، ضعف در مهارت و به‌روز نبودن و عدم دسترسی به استاد می‌باشد.

مضمون فرعی ۱: عدم نظارت و پیگیری

اکثر مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر ضعف قوانین اجرایی و تنبیهی و عدم نظارت و پیگیری نکردن کارهای پژوهشی در دانشگاه اشاره می‌کردند و نقش نظارت و کنترل را در بروز تخلفات بسیار مهم می‌دانستند. یکی از اساتید بیان می‌داشت که «تدوین قوانین بازدارنده و اجرایی و تنبیهی لازم است، یعنی هر دو باید باشند ولی متأسفانه ما قوانین و تنبیهاتی به آن صورت نداریم»

یکی دیگر از اساتید شرکت‌کننده در مصاحبه اظهار می‌داشت «بخشی از تخلفات پژوهشی به نظارت اجتماعی برمی‌گردد و به‌نظر من نظارت اجتماعی باید خیلی قوی باشد و تخلف یک استادی در حوزه پژوهش قابل گذشت نیست، چون استاد تربیت نسل بعدی را برعهده دارد و اگر دانشجویی تخلف من استاد را ببیند این برای من بس است و دانشجو هم تا آخر عمرش هدایت نمی‌شود و اخلاق را در این حوزه رعایت نمی‌کند»

دانشجو: «عملکرد استاد هم مهم هست و اگر استادی سخت‌کوش باشد و نظارت داشته باشد و دانشجو هم ببیند که استاد هم فعالیت می‌کند به آزمایشگاه می‌آید نظارت می‌کند و این‌طوری نباشد که دانشجو را به حال خودش رها بکند و از دانشجو فقط داده بخواهد. استاد باید ببیند که آیا دانشجو واقعاً کار می‌کند یا اینکه داده‌سازی می‌کند خب اینها می‌توانند به‌صورت غیرمستقیم تأثیر زیادی روی دانشجو بگذارند»

دانشجو: «پژوهش‌ها هدف‌دار نیستند و به نتایج پژوهش اهمیتی نمی‌دهند و پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها در کتابخانه‌ها گرد و خاک می‌خورند و دانشجو هم می‌گوید چون کسی نیست پیگیر باشد و نه تعهد و قانونی هست و نه مسئولی که به این نتایج نگاه بکند پس راحت داده‌سازی می‌کند و می‌رود»

مضمون فرعی ۲: ضعف در مهارت و به‌روز نبودن

تسلط علمی، مهارت و توانایی پژوهشگر و به‌روز نبودن استاد راهنما هم در بروز برخی سوء رفتارها سهیم‌اند. یکی از دانشجویان ضمن گفتگو تجربه خود را چنین بیان می‌کند

«یکی دیگر از بحث‌ها تسلط علمی استاد راهنماست و اگر استادی تسلط علمی نداشته باشد و استادی که دانشجوی مرتب مراجعه می‌کند سرباز بزند و توضیح مناسبی نداشته باشد، نتواند کمک کند و راهنمای خوبی برای دانشجوی نباشد یواش یواش آن دانشجوی هم انگیزه خودش را از دست می‌دهد»

دانشجو: «برخی از اساتید به‌روز نیستند و از کارهای نرم‌افزاری سر در نمی‌آورند و برخی دانشجویها هم سوء استفاده می‌کنند»

مضمون فرعی ۳: عدم دسترسی به استاد

برخی از دانشجویان در دسترس بودن استاد راهنما را در انجام درست کارهای پژوهشی بسیار مهم می‌دانستند که در این خصوص به برخی اظهارات اشاره می‌گردد.

دانشجو: «در کار پژوهشی من نمی‌گویم که یک دانشجوی به استادش وابسته باشد اما استاد براساس تجربیاتی که دارد راه را روشن می‌کند و دانشجوی باید خودش مطالعه کند، یعنی اصل کار با خود دانشجویست اما با کمک‌ها و راهنمایی‌های استاد کار به پیش می‌رود به هر حال چون دانشجوی تجربه ندارد یا تجربه‌اش خیلی کم است، خیلی موقع‌ها نیاز پیدا می‌کند که به استاد مراجعه کند. یکی از چیزهایی که به‌نظرم خیلی مهم می‌آید این است که اساتید در ساعت‌هایی که مشخص کرده‌اند حتماً حضور داشته باشند تا به هر حال در قبال مسئولیتی که برعهده آنهاست و وظایفی که دارند حضور داشته باشند، به دانشجوی کمک کنند. حضور موثر استاد به دانشجوی خیلی کمک می‌کند و نه اینکه دانشجوی برود و بارها مراجعه کند و استادش حضور نداشته باشد که این خودش سرخوردگی ایجاد می‌کند»

«به‌نظر من اساتید ما برنامه‌ریزی ندارند مثلاً هفته‌ای دو ساعت مشخص در اتاق شون باشند تا دانشجویان برای رفع اشکال مراجعه کنند برخی اساتید یا جلسه دارند و یا تشریف ندارند. خلاصه اینکه اساتید برای دانشجوی وقت نمی‌گذارند و برای وقت دانشجوی ارزش قائل نیستند. بنابراین در دسترس نبودن استاد باعث به‌هم ریختن اعصاب دانشجوی می‌شود و دوست ندارد که دیگر ادامه بدهد. خب وقتی یک استاد مملکت برنامه‌ای برای کارهایش ندارد، از دانشجوی باید چه انتظاری داشت»

مضمون اصلی ۵: نظام آموزشی

در به‌وجود آمدن برخی سوء رفتارها علاوه بر بحث نظام اجتماعی و مسائل فردی نظام

آموزشی هم دخالت دارد. درون نظام آموزشی در واقع به‌نوعی به فرایند اخلاق پژوهش جهت می‌دهد. در این باره به مضامین فرعی اشاره می‌گردد:

مضمون فرعی ۱: تأکید بر نتایج زودبازده

تاکید بر نتایج زودبازده در سیاست‌گذاری‌ها و نظام آموزشی یکی از مضمون‌های پدیدار شده در تجربیات مصاحبه‌شوندگان است. برای نمونه یکی از اساتید شرکت‌کننده در این رابطه بیان می‌داشت که «متأسفانه در نظام آموزشی هم رفتار نتایج زودبازده شده‌ایم که ناشی از سیاست‌های غلط است و دولت هم بر کارهای زودبازده تأکید می‌کند و این زودبازدهی در دانشگاه هم گسترش یافته و محقق باید زود نتیجه کار خودش را ارائه دهد که این باعث مطرح شدن برخی بحث‌های غیراخلاقی می‌شود»

مضمون فرعی ۲: ضعف در فرایند یاددهی - یادگیری

مصاحبه‌شوندگان در ضمن گفتگو در خصوص عوامل زمینه‌ساز تخلفات پژوهشی به وجود ضعف‌هایی در آموزش اخلاق حرفه‌ای و روش‌های تدریس یک‌طرفه اشاره می‌کردند. در این باره یکی از اساتید اشاره داشت که «شیوه‌های آموزشی یک‌جانبه هم تأثیر منفی بر اخلاق پژوهشی دارند. شیوه‌های آموزشی پویا و شیوه‌ای که در آن آزادی تا حدودی در بحث و گفتگو وجود دارد، همه تا حدودی درگیرند و یادگیری با همیاری و هم‌افزایی صورت می‌پذیرد، شرایط مساعدی برای اخلاق فراهم می‌کنند، که اگر اینها صورت نگیرد شما از ترس نمی‌توانید سؤال بکنید، از ترس نمی‌توانید در مقابل استاد بگویید که این‌گونه نیست. وقتی اینها نباشد تلاش می‌کنید که یافته را طوری وفق بدهید که در مذاق استاد و در مذاق نظام آموزشی سازگاری داشته باشد و این یکی از مشکلات عمده‌ای است که به‌وجود می‌آید»

و یکی دیگر از اساتید در این زمینه می‌گفت «ضعف آموزش هم وجود دارد اساتید و دانشجویان ما در زمینه اخلاق حرفه‌ای در پژوهش آموزش نمی‌بینند و بخشی از تحقیق است که به آن پرداخته نمی‌شود»

و دانشجویی بیان می‌کرد «اساتید به دانشجویان شیوه‌های صحیح پژوهش را یاد نمی‌دهند و فقط از دانشجو مقاله می‌خواهند و دانشجو بلد نیست که چکار بکند یعنی سردرگم هست»

مضمون فرعی ۳: کثرت پذیرش دانشجو

برخی از مصاحبه‌شوندگان پذیرش زیاد دانشجو را در بروز برخی سوء رفتارها تأثیرگذار

می دانستند. یکی از اساتید می گوید: «یک استاد چندین دانشجو دارد و بنابراین نمی رسد و نمی تواند آنها را خوب راهنمایی کند» دانشجویی در این باره می گفت: «تعداد اساتید نسبت به تعداد دانشجو کم است و یک استاد را مجبور می کنند که دانشجوی زیادی بردارد درحالی که نه در توانش هست و نه در آزمایشگاه امکانات کافی دارد و در نتیجه کیفیت پایان نامه ها کمتر می شود و تخلفات افزایش می یابد»

مضمون اصلی ۶: عواقب و پیامدها

در رابطه با عواقب و پیامدهای تخلفات در حوزه پژوهش پنج مضمون فرعی شامل سردرگمی و ایجاد شبهه، افت علمی، بی اعتمادی، تضییع حقوق پژوهشگران و تربیت پژوهشگران ضعیف و کم مهارت استخراج گردید که در ادامه به ذکر مضمون ها و نمونه ای از نقل قول ها اشاره می گردد.

مضمون فرعی ۱: سردرگمی و ایجاد شبهه

یکی از دانشجویان دکتری می گفت «من به عنوان یک محقق کاری که انجام می دهم و بعداً مقاله ای که ارائه می دهم یا پایان نامه ای که خواهیم داد بالاخره از نتیجه کار من محققان دیگری می خواهند استفاده کنند؛ حالا اگر این داده ها حقیقی نباشند خب آن نشان می دهد که غیراخلاقی است یعنی بنده خدایی که می آید استفاده می کند نمی داند که واقعی بوده یا غیرواقعی»

دانشجو «خب پژوهشگران بعدی دچار شک و تردید می شوند و درست و نادرست را تشخیص نمی دهند»

مضمون فرعی ۲: افت علمی

استادی بیان می داشت که «اگر اخلاق پژوهشی رعایت نشود تمامی یافته های تحقیقی به دست آمده نادرست خواهد بود و بنابراین احتمال اینکه از یافته های پژوهشی یک نظریه و پدیده ای به وجود آید که جالب و قابل عرضه باشد نخواهد بود و تحقیقات هم به تحقیقات صوری تبدیل می شوند و هرچقدر هم برایش هزینه بکنند، چون از اول نیت و امثال اینها در آن خوب نبوده نهایتاً تحقیق هم خوب نخواهد بود» و استاد دیگری تجربه خود را چنین بیان می نمود «پژوهش ها باید کاربردی باشند و کشور ما نیاز به پژوهش های کاربردی دارد و باید یکی از خلأها و نیازهای کشور پر شود، وقتی نوشته ای به درد نمی خورد و تکرار مکررات

است، نباید امتیاز داده شود و اگر بیشتر به حل مسائل و کاربردی بودن‌شان نگاه بکنیم خوب می‌شود»

مضمون فرعی ۳: بی‌اعتمادی

اظهارات برخی از مشارکت‌کنندگان در زیر نمایانگر همین امر است.
استاد: «عواقبش بر تمامی جنبه‌های مختلف جامعه می‌باشد و انحراف از راه درست باعث منفی شدن نتایج پژوهشی می‌گردد و داده‌سازی باعث عدم اعتماد می‌شود. دانشجو: «عواقب داده‌سازی و تخلفات پژوهشی این است که کسی به نتایج پژوهشی اطمینان ندارد و امروزه نتایج پژوهشی کاربردی نیستند و اینها باعث بی‌اعتمادی به نتایج پژوهشی می‌شوند»

مضمون فرعی ۴: تضییع حقوق پژوهشگران

یکی از اساتید در این زمینه می‌گفت «سوء رفتارها در پژوهش باعث می‌شوند که افرادی که واقعاً لایق نیستند بالا بیایند و افرادی که زحمت زیادی می‌کشند و حقشان است، بالا نیایند و دچار سرخوردگی شوند، نیروهای نالایق با میانبرهایی ارتقاء یابند و در واقع در آن صورت حق و ناحق مخلوط می‌شود که درست نیست» دانشجو: «کسی که راه غلطی را می‌رود و داده‌سازی می‌کند به نتیجه مثبتی دست می‌یابد و تشویق هم می‌شود. یکی از دوست‌های من داده‌سازی کرده بود و موقع دفاع هم اساتید از سخت کوشی و فعال بودنش تعریف و تمجید می‌کردند در حالی که کارش جز داده‌سازی چیز دیگری نبود»

مضمون فرعی ۵: تربیت پژوهشگران ضعیف و کم‌مهارت

برای نمونه دانشجویی مطرح نمود که «فردی که کار خطایی کرده و آمده بالا، مطمئن باشید که این خودش بعداً در مقام محقق قرار می‌گیرد که می‌خواهد افرادی را تربیت کند. در این صورت مهارت کافی برای تربیت افراد دیگر را نخواهد داشت پس ضعف و نتیجه کارش را آنجا نشان می‌دهد و شخصیتش هم زیر سؤال می‌رود و اینجا در رفته ولی در آنجا مطمئناً دچار مشکل می‌شود»

بحث و نتیجه‌گیری

با تحلیل تجربیات اساتید و دانشجویان دکتری ۶ مضمون اصلی و ۲۵ مضمون فرعی استخراج گردید. زمینه کلی، مضامین اصلی و فرعی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مضامین اصلی و فرعی اخلاق پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی
تجربیات اساتید و دانشجویان دکتری از اخلاق پژوهش	<ul style="list-style-type: none"> - باندبازی و بده بستان علمی - سرقت علمی و ادبی - داده‌سازی و گمراه‌سازی - عدم روحیه همکاری - عدم رعایت انصاف - شتاب‌زدگی
	<ul style="list-style-type: none"> - معیارهای پذیرش و ارتقاء - هزینه و بودجه - تعیین محدودیت زمانی - عدم همکاری
	<ul style="list-style-type: none"> - سستی و راحت‌طلبی - نداشتن انگیزه و روحیه علمی - سطحی‌نگری - نداشتن وجدان کاری و حس مسئولیت‌پذیری
	<ul style="list-style-type: none"> - عدم نظارت و پیگیری - ضعف در مهارت و به‌روز نبودن - عدم دسترسی به استاد
	<ul style="list-style-type: none"> - تأکید بر نتایج زود بازده - ضعف در فرایند یاددهی - یادگیری - کثرت پذیرش دانشجو
	<ul style="list-style-type: none"> - سردرگمی و ایجاد شبهه - افت علمی - بی‌اعتمادی - تضييع حقوق پژوهشگران - تربیت پژوهشگران ضعیف و کم‌مهارت

۱۶۹

اولین مضمون اصلی استخراج‌شده از تجربیات مشارکت‌کننده‌ها عبارت از «سوء رفتارها در پژوهش» می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان در پژوهش حاضر مضامینی از قبیل باندبازی و بده و بستان علمی، سرقت علمی و ادبی، داده‌سازی و گمراه‌سازی، عدم روحیه همکاری، عدم رعایت انصاف و شتاب‌زدگی را جزء سوء رفتارها در پژوهش عنوان کردند. طبق نظر مینتز^۱ (۱۹۹۹) سوء رفتار در پژوهش زمانی صورت می‌پذیرد که هنجارهای سیستم

پژوهش به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه مورد نقض قرار می‌گیرد. (برنمن^۱، ۲۰۱۳: ۸۹) نتایج مطالعه ادیبی و همکاران (۱۳۸۸) درخصوص بررسی علل انجام انتشار چندگانه در طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۴ نشان داد که جامعه علمی کشور هنوز با اصول حرفه‌ای پژوهش آشنا نیست و بسیاری از موارد انتشار چندگانه به دلایل غیرعمدی و از روی ناآگاهی رخ داده است. مؤسسه سلامت عمومی آمریکا بد اخلاقی علمی و پژوهشی را شامل جعل، تحریف، دزدیدن تألیفات یا اختراعات دیگران، گزارش نادرست آزمایش‌ها، تأیید دادن پیش‌فرض‌های ذهنی خود در هنگام عمل و نتیجه‌گیری، گزارش نادرست نتایج و نمودارها و برجسته نشان دادن برخی موارد خاص و به‌طور کلی عدم امانتداری، اعمال نفوذ غیرمنطقی در ترتیب اسامی نویسندگان و... بر شمرده است. (محمودی، ۱۳۸۶: ۱۳۲) در بررسی ادبیات به انواعی از سوء رفتارهای پژوهشی از قبیل جعل^۲، گمراه‌سازی^۳، سرقت ادبی، انتشار دوگانه یا چندگانه یک پژوهش در دو یا چند منبع، انتشار قطعه قطعه یک پژوهش در چند جا به‌منظور افزایش تعداد مقالات (قاچ کردن^۴)، ارسال دوگانه یا چندگانه^۵، درج نام نویسنده در مقاله بدون اینکه نقش داشته باشد (نویسنده اهدایی^۶)، حذف نام نویسنده از لیست مقاله‌ای که نقش اساسی در نگارش آن داشته (نویسنده ناپیدا^۷)، نوشتن نام افراد به‌عنوان نویسندگان مشترک برخلاف میل و اراده آنها اشاره گردیده است. (برنمن، ۲۰۱۳: ۹۰) نتایج پژوهش فانلی (۲۰۰۹) نشان داد که ۱/۹۷ درصد دانشمندان اظهار داشته‌اند که حداقل یکبار مرتکب جعل، گمراه‌سازی یا تغییر داده‌ها و نتایج پژوهشی شده‌اند و ۳۳/۷ درصد دانشمندان فعالیت‌های پژوهشی مشکوک و سؤال‌برانگیز داشتند.

نتایج پژوهش کونگ و دیگران (۲۰۱۰) نشان داد که اعضای هیئت علمی و دانشجویان در تعریف سرقت علمی و تبانی اتفاق نظر نداشتند. دانشجویان داده‌سازی را به فشارهای ناشی از کار، نمره و آموزش مبهم اساتید نسبت می‌دادند و اعضای هیئت علمی هم موارد کمی از سوء رفتارها را گزارش می‌کردند و اظهار می‌کردند که به تخلفات بر طبق

1. Bornman
2. Fabrication
3. Falsification
4. Salami-slicing
5. Shot Gunning
6. Gift Authorship
7. Ghost Authorship

استانداردها رسیدگی می‌کنند. همچنین پارک^۱ طی پژوهشی به بررسی پیشینه سرقت علمی دانشجویان در آمریکای شمالی پرداخت. وی ۹ علت را در سرقت ادبی دانشجویان مورد شناسایی قرار داد که عبارت‌اند از: ۱. کمبود دانش دانشجویان در خصوص روش تحقیق و استناددهی؛ ۲. کسب نمره بهتر در زمان محدود؛ ۳. مسائل مربوط به مدیریت زمان؛ ۴. ارزش‌های شخصی؛ ۵. مقاومت و اعتراض؛ ۶. نگرش منفی دانشجویان نسبت به معلمان و تکالیف ارزشیابی؛ ۷. انکار یا خنثی‌سازی رفتارهای مربوط به سرقت ادبی؛ ۸. دستیابی به اطلاعات الکترونیکی و دیجیتال؛ ۹. عدم بازدارندگی و مجازات مؤثر. (پارک، ۲۰۰۳: ۴۷۹) برخی از محققان هم تنبلی، پنهان‌سازی، رقابت و فشار ناشی از حجم کارهای علمی و زمان را از جمله عوامل سرقت ادبی عمدی و آگاهانه برشمرده‌اند. (جیمز^۲ و دیگران، ۲۰۰۲) دولین و گری^۳ (۲۰۰۷) در یک مطالعه کیفی به بررسی عوامل مربوط به سرقت ادبی دانشجویان در استرالیا پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که عواملی از قبیل معیارهای پذیرش سازمانی، درک ضعیف دانشجویان از سرقت ادبی، مهارت‌های آکادمیکی ضعیف، عوامل یاددهی - یادگیری، عوامل شخصیتی و فشارهای محیطی در سرقت ادبی نقش دارند. شعبانی (۱۳۸۶) در تحقیق خویش بی‌اخلاقی‌های پژوهشی را شامل نویسندگان شبیح، نویسندگان مهمان یا افتخاری، ارسال همزمان یک مقاله به چند مجله، اشاره نکردن به نام افرادی که در پژوهش سهیم‌اند، مزاحمت، ارائه نادرست، جعل، تحریف، حذف واقعیت و سرقت علمی بیان می‌کند و معتقد است که فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی به تمام ذینفعان در این خصوص، بازنگری در آئین‌نامه‌های ارتقای اعضای هیئت علمی که بر کمیت تأکید دارند تا کیفیت و تأسیس سازمانی مستقل برای تدوین قوانینی در این زمینه در پیشگیری از اقدامات سوء علمی و رعایت اخلاق در نگارش مقالات علمی مؤثر است. همچنین نتایج تحقیق فعلی و همکاران (۱۳۹۱) و نخعی و نیک‌پور (۱۳۸۴) مؤید سوء رفتارهایی در حوزه پژوهش است.

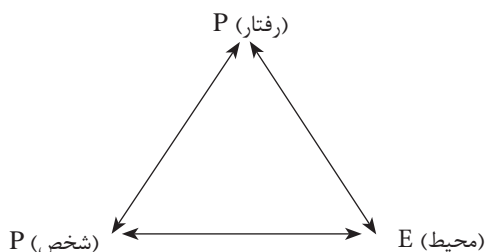
از یافته‌های دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود این بود که مصاحبه‌شوندگان در خصوص عوامل زمینه‌ساز سوء رفتارها و تخلفات پژوهشی در آموزش عالی به مضامین فشارهای محیطی (معیارهای پذیرش و ارتقاء، هزینه و بودجه، تعیین محدودیت زمانی و عدم همکاری)، ویژگی‌های فردی (سستی و راحت‌طلبی، نداشتن انگیزه و روحیه

1. Park
2. James
3. Devlin & Gray

علمی، سطحی‌نگری، نداشتن وجدان کاری و حس مسئولیت‌پذیری)، فقدان مدیریت و راهنمایی (نظارت و پیگیری، ضعف در مهارت و به‌روز نبودن، عدم دسترسی به استاد)، نظام آموزشی (تأکید بر نتایج زودبازده، ضعف در فرایند یاددهی - یادگیری، کثرت پذیرش دانشجو) اشاره می‌کردند. در ساختار ارتقای اعضای هیئت علمی درباره انتشارات و تولیدات علمی آنان نگاه مسئولین آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها نگاهی کمی است. این نوع نگاه می‌تواند باعث شود افراد به سمت رفتارهای غیراخلاقی در انتشار پژوهش‌ها سوق داده شوند. برخی از اساتید به‌خصوص اساتیدی که با دانشجویان تحصیلات تکمیلی درس دارند بخشی از نمره مربوط به واحد درسی دانشجو را منوط به ارائه یک مقاله قرار می‌دهند در چنین مواردی گاه استاد مذکور هیچ زحمتی برای مقاله نمی‌کشد و گاهی حتی نامی از دانشجوی نویسنده برده نمی‌شود. به نظر می‌رسد دانشجویی که بدون میل و اراده و علاقه باید تحقیقی را ارائه کند و قرار نیست حتی نام او به‌عنوان نویسنده ذکر شود بعید نیست که عمده‌اً هم تخلفاتی انجام دهد. (انجو، ۱۳۹۰: ۴۱) بوهانون^۱ (۲۰۱۳) بیان می‌کند که ارائه نتایج تقلبی و جعلی توسط دانشمندان بنا به دلایل متعددی همچون پیشرفت شخصی، تأکید بر ارائه نتایج، راهنمایی ضعیف دانشجویان، کارآموزی و تابعیت یا جهل نسبت به اصول و هنجارهای پژوهش صورت می‌پذیرد. وجود رقابت بسیار شدید بین دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در مواقعی زمینه را برای بروز رفتارهای پژوهشی غیراخلاقی مهیا می‌کند، زیرا نوشتن مقالات بیشتر و انجام تحقیقات بیشتر در بسیاری موارد به‌عنوان امتیاز تلقی می‌شود و عاملی است که از طریق آن افراد به موقعیت بهتری در زمینه تخصصی خود دست می‌یابند و این عجله برای دستیابی به موقعیت بهتر گاهی اوقات باعث بروز برخی رفتارهای غیراخلاقی می‌شود. (مطلبی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۸) همچنین در تبیین یافته‌های به‌دست آمده می‌توان گفت که بندورا (۱۹۸۶) معتقد است که فرایندهای شناختی، محیط و رفتار شخص بر هم تأثیر و تأثر متقابل دارند و هیچ‌کدام از این سه جزء را نمی‌توان جدا از اجزای دیگر به‌عنوان تعیین‌کننده رفتار انسان به‌حساب آورد. بندورا این تعامل سه‌جانبه فرایندهای شناختی، محیطی و رفتار را به‌صورت شکل زیر نشان داده و آن را جبر متقابل یا تعیین‌گری متقابل نامیده است. (السون و هرگنهان^۲، ۱۳۹۰)

1. Bohannon

2. Olson & Hergenhahn



نمودار ۱: تعامل فرایندهای شناختی، محیطی و رفتار از نظر بندورا

بنابراین، طبق نظریه بندورا، افراد می‌توانند با عمل کردن به راه‌های معین بر محیط تأثیر بگذارند و محیط تغییر یافته به نوبه خود رفتار بعدی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما بندورا متذکر می‌شود که اگر چه بین افراد، محیط و رفتار کنش متقابل وجود دارد، هر یک از این اجزا در یک زمان معین می‌توانند از اجزای دیگر تأثیرگذارتر باشد. (السون و هرگنهان، ۱۳۹۰) بندورا (۱۹۹۱) بر این باور است که رفتار اخلاقی افراد تحت تأثیر دو عامل شناختی و محیطی قرار می‌گیرد. جنبه‌های شناختی شامل سطح رشد ذهنی و اخلاقی، واکنش به شرایط و تعهد به هنجارهای اجتماعی می‌باشد. مطابق با نظریه بندورا متغیرهای اصلی محیط در آموزش عالی شامل هنجارهای اجتماعی، کدهای رفتاری و الگوگیری از دیگران می‌باشد. هنجارهای اجتماعی باور افراد را در خصوص آنچه که باید انجام دهند یا ندهند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین کدهای رفتاری از طریق ارائه درک بهتری از هنجارها و انتظارات اجتماعی رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سرانجام الگوگیری از افراد نشانه‌های بصری رفتارهای قابل قبول یا غیرقابل قبول را میسر می‌سازد. (نادلسون^۱، ۲۰۰۷: ۷۰)

مک کیب^۲ و دیگران (۲۰۰۱) در پژوهشی تحت عنوان تقلب در مؤسسات علمی به بررسی عوامل تأثیرگذار در تقلب پرداختند. نتایج نشان داد که تأثیرپذیری از رفتار همسالان و برنامه‌ها و خط‌مشی‌های مؤسسات در خصوص صداقت علمی تأثیر معنی‌داری بر رفتار فراگیران می‌گذارند. همچنین نخعی و نیک‌پور (۱۳۸۴) بیان می‌کنند که ریشه تقلب و سرقت علمی را باید در عوامل اجتماعی مانند یادگیری‌های دوران کودکی، آموزش‌های علمی و الگو گرفتن از سایر دوستان و استادان، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه و قوانین پیشگیری جستجو کرد. استرن گولد^۳ (۲۰۰۴) براساس تجربیات و تحقیقات

1. Nadelson
2. Mc Cabe
3. Sterngold

انجام یافته در دانشگاه‌های آمریکا اظهار می‌دارد که روش‌های تدریس مرسوم، دانشجویان را به تقلب کردن فرا می‌خوانند وی به نمونه‌ای از نتایج پژوهشی در دانشگاه‌های سراسر جهان جهت اثبات ادعای خویش اشاره می‌کند: «اکثر دانشجویان دوره کارشناسی در مهارت‌های پژوهشی و نگارشی ضعیف می‌باشند... اکثر دانشجویان نمی‌دانند که چگونه به بررسی و ارزیابی کیفیت منابع و ترکیب داده‌ها و ایده‌ها از منابع مختلف بپردازند... دانشجویان در نگارش واضح و منطقی، دفاع از ایده‌هایشان توأم با شواهد و استدلال و ویرایش آنها ضعیف هستند». استرن گولد اظهار می‌دارد که در چنین وضعیتی از دانشجویان انتظار می‌رود که تکالیف خود را در زمان تعیین شده و بدون کمک معلم انجام دهند در نتیجه برخی از دانشجویان تکالیف را غیرمنصفانه، مبهم، بی‌اهمیت و غیرممکن تلقی نموده و بدین طریق به احتمال زیاد سرقت علمی را توجیه کرده و به آن رو می‌آورند. (دولین و گری، ۲۰۰۷: ۸۹) شدت مجازات‌ها در کشور ما در خصوص برخورد با تخلفات اخلاقی در پژوهش‌ها، متناسب با تخلف انجام شده نیست و این باعث می‌شود که افرادی با فراغ خاطر بیشتری به این تخلف‌ها مبادرت کنند یا اینکه تلاش فعالی برای دقت درباره اینکه این مسئله در کارهای آنان رخ ندهد، نکنند. به عنوان مثال تصریحی در قوانین ما وجود ندارد که در صورت احراز تخلف آشکار درباره تقلب یا فریبکاری یا ساختن داده‌های دروغین مجازاتی همچون اخراج دائمی از کلیه فعالیت‌های علمی کشور برای متخلف در نظر گرفته می‌شود. در حالی که در سایر کشورها مجازات‌ها از این نوع‌اند، در این کشورها نه تنها فرد را بدون محاکمه اخراج می‌کنند به علاوه خبر تخلف فرد خاطی در رسانه‌های عمومی و کثیرالانتشار منتشر می‌شود و لذا ترس از بی‌آبرویی هم تبدیل به یک ضمانت اجرایی قوی می‌شود که در کشور ما به نظر می‌رسد چنین ضمانت اجرایی وجود ندارد. (انجو، ۱۳۹۰: ۴۲)

همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سردرگمی و ایجاد شبهه، افت علمی، بی‌اعتمادی، تضییع حقوق پژوهشگران و بی‌مهارت و ضعیف بار آمدن پژوهشگران از عواقب و پیامدهای سوء رفتارها و تخلفات پژوهشی می‌باشند. در تبیین این مضامین باید استدلال نمود که اخلاق پژوهش ایجاب می‌کند که پژوهشگر در ارائه صادقانه نتایج و توزیع و اشاعه آن به جامعه پژوهشی کوشا باشد. پژوهشگران مسئولیت ویژه‌ای برای ارزیابی دقیق نتایج پژوهش خود و عرضه آن به عموم دارند. پژوهشگر در مرحله تولید دانش نباید آگاهانه تحت تأثیر پیش‌داوری‌ها و اصول غیرمنطقی قرار گیرد و لازم است نتایجی را که واقعاً از کار پژوهشی به دست آورده است، چه فرضیه‌های اصلی پژوهش را

تأیید کنند و چه نکنند، صادقانه منعکس کند و از دخل و تصرف در آنها بپرهیزد. (خالقی، ۱۳۸۷: ۸۷) سوء رفتارهایی همچون جعل و تحریف، تقلب و سرقت ادبی نه تنها اعتماد را در پژوهش تضعیف می‌سازد، بلکه صداقت فعالیت‌های علمی را به مخاطره می‌اندازد. عدم رعایت صداقت در جمع‌آوری داده‌های پژوهشی و جعل و تحریف داده‌ها یا ارائه داده‌های نادرست به دلیل تخریب پایه‌های اخلاق علمی منجر به بی‌اعتمادی کامل در علم می‌شود. (گزارش کمیته اطلاعات پژوهشی و علمی هلند، ۲۰۱۳) نکته دیگری که بسیار اهمیت دارد این است که اعتماد جهانیان به جامعه دانشگاهی یک کشور متاعی نیست که به سادگی حاصل شده باشد؛ بلکه در اثر تلاش‌ها و مجاهدت‌های بسیار پیشینیان به دست آمده است و عده‌ای به راحتی باعث سلب این اعتماد می‌شوند. از طرفی اعتماد به سختی و به تدریج به دست می‌آید و به سادگی مخدوش می‌شود. (انجو، ۱۳۹۰: ۴۱) پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌هایی که داده‌های آنان جعل شده است ممکن است به دلیل عدم آگاهی پژوهشگران بعدی مبنای کار آنها قرار بگیرد. بنابراین عدم توجه به این امر ممکن است صدمات جبران‌ناپذیری به جامعه دانشگاهی وارد آورد. یافته‌هایی که بر مبنای داده‌های دستکاری شده به دست آمده باشد تهدیدی جدی برای شرافت علمی و کمال دانشگاهی است. (امیری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱) پژوهشگر لازم است تمام تلاش خویش را در جهت کشف حقیقت به کار گیرد و هرگز ترسی از مشکلاتی که ممکن است دیگران برای او به وجود آورند، نداشته باشد. به ارسطو اعتراض شد که چرا حرمت استاد خود، افلاطون را نگه نداشته و دیدگاه‌های او را به نقد کشیده است. وی پاسخ داد: «افلاطون را دوست دارم اما به حقیقت بیش از افلاطون علاقه دارم». (شریفی، ۱۳۸۴: ۱۰۵)

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر و تجربیات مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت که عمده تخلفات و سوء رفتارها در حوزه پژوهش ناشی از وجود معیارهای نامناسب ارزشیابی، عدم نظارت و پیگیری، عدم برخورد جدی با تخلفات، ضعف آموزش اخلاق حرفه‌ای و مهارت‌ها در پژوهش می‌باشد. بنابراین با تأکید بر ارزیابی کیفی و اصلاح معیارهای ارزشیابی، تدوین آئین‌نامه‌ها و ایجاد مکانیسم‌های بازدارنده و اجرایی و نظارت و پیگیری جدی می‌توان تا حدودی از بروز تخلفات و سوء رفتارها در پژوهش جلوگیری کرد. همچنین با بازنگری در تربیت پژوهشگران و تغییر شیوه‌های آموزشی می‌توان حرکات خوبی را در افزایش اخلاق پژوهشگران در آموزش عالی انجام داد.

منابع

۱. السون، متیو اچ و بی آر هرگنهان. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*. علی اکبر سیف. تهران: نشر دوران.
۲. ادیب حاج باقری، محسن؛ سرور پرویزی و مهوش صلصالی. (۱۳۹۰). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
۳. ادیبی، پیمان؛ مریم کیان‌پور و شاهین شیرانی. (۱۳۸۸). تحلیل ریشه‌ای انتشار چندگانه مقالات پژوهشی. *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*. ۲۷ (۱۰۳).
۴. اردشیر لاریجانی، محمدباقر و فرزانه زاهدی. (۱۳۸۶). نظری بر کمیته‌های اخلاق در پژوهش در جهان و ایران. *مجله دیابت و لیپید ایران*. ۵ (۴).
۵. امیری، محمداصغر؛ احمد خامسان و محسن آیتی. (۱۳۹۰). شرافت علمی در نظام آموزش عالی: مقایسه تطبیقی دانشگاه‌های منتخب آمریکا، بریتانیا و ایران. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*. ۶ (۴).
۶. امین خندقی، مقصود و حمیده پاک‌مهر. (۱۳۹۱). آموزش معیارهای اخلاق پژوهش: ضرورتی انکارناپذیر در برنامه‌های درسی آموزش عالی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*. ۷ (۴).
۷. انجو، سیدعلی. (۱۳۹۰). مالکیت معنوی، اخلاق در انتشار نتایج پژوهش و بررسی مفاد قانونی مرتبط با مجازات متخلفین در جمهوری اسلامی ایران. *نشریه الکترونیکی مديا*. شماره پنجم. <http://mediaj.sums.ac.ir/online>
۸. بحرینی، نسرین. (۱۳۸۹). اخلاق پژوهش به‌منزله یک دانش. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*. سال دوم. شماره هشتم و نهم.
۹. بهمن‌آبادی، سمیه؛ طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی و بختیار شعبانی ورکی. (۱۳۹۳). رعایت اخلاق پژوهش در رساله‌های دکتری. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*. سال هفتم. شماره ۲۵.
۱۰. تابعی، سیدضیاءالدین و فرزانه محمودیان. (۱۳۸۵). آفت و آسیب‌پذیری پژوهشگری. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*. شماره ۱ و ۲.
۱۱. جمیلی، فاطمه و سمانه سدیدیپور. (۱۳۹۳). کدهای اخلاق پژوهش در تجربه‌های زیسته نخبگان علوم اجتماعی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*. سال نهم. شماره ۴.
۱۲. خالقی، نرگس. (۱۳۸۷). اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*. سال سوم. شماره‌های ۱ و ۲.
۱۳. خنیفر، حسین؛ حامد بردبار و فریبا فروغی قمی. (۱۳۹۰). تبیین مؤلفه‌های اخلاقی و فرهنگی در پژوهش. *فصلنامه معرفت اخلاقی*. ۲ (۲).
۱۴. شعبانی، امیر. (۱۳۸۶). رعایت اخلاق در نگارش مقالات علمی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. دوره ۱۳. شماره ۲.
۱۵. شریفی، احمدحسین. (۱۳۸۴). اخلاق و پژوهش. *فصلنامه پژوهش*. پیش‌شماره دوم.

۱۶. صدوقی، مجید. (۱۳۹۰). ضوابط اخلاقی در پژوهش‌های علوم رفتاری. *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*. ۱۷ (۶۷).
۱۷. عزیزی، نعمت‌اله. (۱۳۹۲). بررسی راه‌های بهبود عملکرد پژوهشی اعضای هیئت علمی در علوم انسانی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*. شماره ۲۱.
۱۸. فرامرز قراملکی، احمد. (۱۳۸۳). خاستگاه اخلاق پژوهش. *آئینه میراث*. سال دوم. شماره ۴.
۱۹. فعلی، سعید؛ نگین بیگلری و غلامرضا پزشکی‌راد. (۱۳۹۱). نگرش و رفتار دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در زمینه سرقت علمی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. شماره ۶۵.
۲۰. لشکربلوکی، مجتبی. (۱۳۸۷). چارچوب تدوین ارزش‌ها و اخلاق حرفه‌ای پژوهش‌های علمی و فناوری. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*. سال سوم. شماره‌های ۱ و ۲.
۲۱. محمودی، علی. (۱۳۸۶). نگرشی فلسفی بر اخلاق در پژوهش. *فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی*. ۱۱ (۴).
۲۲. مطلبی‌فرد، علیرضا؛ حمیدرضا آراسته؛ هدیه محبت و مهدی دستا. (۱۳۹۱). اخلاق پژوهش در آموزش عالی: ویژگی‌های فردی و مسئولیت‌های فردی و حرفه‌ای پژوهشگران. *فصلنامه اطلاع‌رسانی و کتابداری*. شماره ۱۹.
۲۳. نخعی، نوذر و هادی نیکپور. (۱۳۸۴). بررسی نظرات دانشجویان پزشکی در مورد فریبکاری پژوهشی در تدوین پایان‌نامه و فراوانی نسبی آن. *فصلنامه گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*. سال دوم. شماره ۱.
۲۴. نعمتی، محمدعلی و هدی‌سادات محسنی. (۱۳۸۹). اخلاق در آموزش عالی: مؤلفه‌ها، الزامات و راهبردها. *پژوهشنامه اخلاق در آموزش عالی*. شماره ۱۲.

25. Advisory Report by the Committee on Scientific Research Data. (2013). Responsible Research Data Management and the Prevention of Scientific Misconduct. *Royal Netherlands Academy of Arts and Sciences*. Available from: <http://www.knaw.nl/en/news/publications/responsible-research-data-management-and-the-prevention-of-scientific-misconduct>/accessed March 2014.

26. Bandura, A. (1991). Social Cognitive Theory of Selfregulation. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*. 50. 248-287.

27. Benatar, S. R. (2002). Reflections and Recommendations on Research Ethics in Developing Countries. *Social Science & Medicine*. 54. 1131-1141.

28. Beyrer, C. & N. E. Kass. (2002). Human Rights, Politics, and Reviews of Research Ethics. *The Lancet*. 360. 246- 251.

29. Bohannon, J. (2013). Who's Afraid of Peer Review?. *Science Magazine*. 342 (6154). 60-65. Available from: <http://www.sciencemag.org/content/342/6154/60.summary>

30. Bornman, L. (2013). Research Misconduct-Definitions, Manifestations and Extent. *Publications*. 1 (3). 87-98.

31. Carlin, A. P. (2003). Disciplinary Debates and Bases of Interdisciplinary Studies the Place of Research Ethics in Library and Information Science. *Library & Information Science Research*. 25: 3-18.
32. Devlin, M. & K. Gray. (2007). In Their Own Words: A Qualitative Study of the Reasons Australian University Student Plagiarise. *Higher Education Research and Development*. 26 (2). 181-198.
33. Fanelli, D. (2009). How Many Scientists Fabricate and Falsify Research? A Systematic Review and Meta-analysis of Survey Data. *PLOS ONE*. 4 (5). e5738.
34. Gallo, G. (2004). Operations Research and Ethics: Responsibility, Sharing and Cooperation. *European Journal of Operational Research*. 153 (2). 468-476.
35. James, R.; C. McInnis. & M. Devlin. (2002). *Assessing Learning in Australian Universities: Ideas, Strategies and Resources for Quality in Assessment*. Melbourne: Centre for the Study of Higher Education, The University of Melbourne for the Australian Universities Teaching Committee, Department of Education Science and Training (DEST). Retrieved from <http://www.cshe.unimelb.edu.au/assessinglearning/>
36. Kwong, T.; H. M. Ng; K. P. Mark. & E. Wong. (2010). Students' and Faculty's Perception of Academic Integrity in Hong Kong. *Campus-Wide Information Systems*. Vol. 27. Iss 5. pp. 341-355. Permanent Link to This Document: <http://dx.doi.org/10.1108/10650741011087766>.
37. Mc Cabe, D. L.; L. K. Trevino. & K. D. Butterfield. (2001). Cheating in Academic Institutions: A Decade of Research. *Ethics & Behavior*. 11 (3). 219-232.
38. Nadelson, S. (2007). Academic Misconduct by University Students: Faculty Perceptions and Responses. *Plagiarism: Cross-Disciplinary Studies in Plagiarism, Fabrication and Falsification*. 67-76.
39. Park, C. (2003). In Other (People's) Words: Plagiarism by University Students-literature and Lessons. *Assessment & Evaluation in Higher Education*. 28 (5). 471-488.
40. Shin, K. M.; N. Y. Kim. & Y. H. Kim. (2003). Study on the Lived Experience of Aging. *Nursing & Health Sciences*. 5 (4). 245-252.
41. Winston, M. D. (2007). Ethical Leadership and Ethical Decision Making: A Meta-analysis of Research Related to Ethics Education. *Library & Information Science Research*. 29. 230-251.